

مدل پارادایمی تبعیض‌های جنسیتی بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان سمنان

چکیده

هدف از پژوهش حاضر ارائه مدل تبعیض‌های جنسیتی بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان سمنان بود. این کار با انجام پژوهش کیفی از نوع زمینه بنیاد که شیوه آن اکتشافی است، انجام شد. در این تحقیق از طریق بررسی ادبیات و مصاحبه اکتشافی نسبت به ارائه مدل، از روش برخاسته از داده‌ها (کدگذاری واحد تحلیل، مقوله‌ها و واحد ثبت) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای انجام مصاحبه میدانی، جامعه آماری پژوهش را خبرگان و اساتید حوزه مدیریت آموزشی بودند که در خصوص موضوع پژوهش تجربه و آگاهی لازم داشتند؛ که این افراد حداقل یک پژوهش (مقاله پژوهشی، سخنرانی، طرح پژوهشی، تألیف و ترجمه کتاب) در حوزه تبعیض جنسیتی در آموزش و پرورش به چاپ رسانده بودند. همچنین برخی مدیران و معلمان زن که در مورد موضوع پژوهش علاقمند بودند. به منظور شناسایی این افراد، در مورد خبرگان و اساتید، از روش نمونه‌گیری هدفمند و در مورد مدیران و معلمان زن، از روش گلوله برفی استفاده گردید. این نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت تعداد ۱۷ نفر (۱۱ استاد و ۶ مدیر و معلم) به عنوان نمونه مشخص گردیدند. در نهایت مقوله‌ها در قالب ۷ مقوله و ۴۰ کد مفهومی مشخص شد و در دل ابعاد ۶ گانه مدل پارادایمی به صورت موجبات علی (نگرشی و سازمانی)، مقوله اصلی (تبعیض جنسیتی)، راهبردها (راهبردهای رفع تبعیض جنسیتی دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان سمنان)، شرایط زمینه‌ای (نگاه جامعه نسبت به تحصیل و شغل زنان در جامعه)، شرایط مداخله‌گر (قوانین مداخله‌گر) و پیامدها (فردی، اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان دختر) جای گرفتند. با مدنظر قرار دادن شرایط علی، شرایط مداخله‌گر و شرایط زمینه‌ای و با اتخاذ راهبردهایی اشاره شده در تحقیق می‌توان به حضور پررنگ زنان بیش‌ازپیش در فعالیت‌های اجتماعی، افزایش امید به زندگی، بهبود کیفیت زندگی و بهبود عملکرد تحصیلی، هنری، علمی، ورزشی و غیره در دانش‌آموزان دختر و در نهایت تربیت نسلی شاداب و بارو حیه توسط مادران آینده امیدوار بود.

کلمات کلیدی: تبعیض جنسیتی، گراند تئوری، دانش‌آموزان دختر، مدارس متوسطه.

Developing a paradigm model of gender discrimination among secondary school students in Semnan province

Abstract

The purpose of this research was to present a model of gender discrimination among secondary school students in Semnan province. This work was done by conducting a qualitative research of the grand theory type, which method is exploratory. In this research, it was analyzed through literature review and exploratory interview regarding the presentation of the model, based on the data-based method method (coding of analysis unit, categories, and registration unit). To conduct the field survey, the statistical population of the research was experts and professors in the field of educational management, who had the necessary experience and knowledge regarding the subject of the research; that these people had published at least one research (research article, lecture, research plan, book authoring and translation) in the field of gender discrimination in education. Also, some managers and female teachers who were interested in the subject of the research. In order to identify these people, in the case of experts and professors, the purposeful sampling method was used, and in the case of managers and female teachers, the snowball method was used. This sampling continued until theoretical saturation was reached and finally 17 people (11 professors and 6 managers and teachers) were identified as samples. Finally, the categories were determined in the form of 7 categories and 40 conceptual codes, and in the heart of the ۶

main category (gender discrimination), strategies (strategies to eliminate gender discrimination of high school students in Semnan province), background conditions (society's view of women's education and career in society), intervening conditions (intervening laws) and consequences (individual, social and

academic of female students) were included. By considering the causal conditions, intervening conditions and contextual conditions, by adopting the strategies mentioned in the research, it is possible to increase the presence of women in social activities, increase life expectancy, improve the quality of life and improve academic performance. Artistic, scientific, sports, etc., in female students and finally the upbringing of a cheerful and spirited generation by future mothers.

مقدمه

امروزه برنامه ریزان در سطح خرد و کلان به اهمیت نقش زنان در پیشبرد اهداف جامعه واقف شده‌اند (علی مددی و همکاران، ۱۴۰۱، ۵۶۵). بااین حال، در سطح جامعه همچنان زنان از بخش‌هایی از حقوق خود محروم هستند و تبعیض جنسیتی در قبال زنان مشاهده می‌گردد. این نوع تبعیض نه تنها نقض حقوق فطری (حقوق طبیعی) انسان‌ها است، بلکه پیامدهای اقتصادی و اجتماعی زیادی را به همراه دارد (زبیدی و همکاران، ۱۳۹۹، ۴۰). در مطالعات مختلف نیز به این تبعیض‌های جنسیتی اشاره شده است. استیل فیشر^۱ و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند که زنان اقلیت‌های نژادی/قومی به‌طور گسترده در حوزه‌های مختلف زندگی خود تبعیض و آزار و اذیت را تجربه می‌کنند. همچنین، زبیدی و همکاران (۱۳۹۹) اظهار کرده‌اند که وجود تبعیض جنسیتی در بازار کار ایران به‌عنوان یک پدیده مخرب، ناکارایی‌های مخرب همچون کاهش دستمزد زنان و مردان، مصرف، تولید و رفاه را به همراه دارد. ماتوپ^۲ (۲۰۱۲) نیز نشان داد که تبعیض جنسیتی در انتصابات، ارتقاء و واگذاری وظایف و مسئولیت‌های مؤسسات آموزشی به‌صورت آشکار رخ می‌دهد. نهادهای آموزشی از جمله مدارس یکی از بخش‌های مهمی هستند که تقریباً نیمی از جمعیت آن‌ها را زنان به‌عنوان معلم یا دانش‌آموز تشکیل می‌دهند و در آن احتمال وقوع نابرابری‌های جنسیتی وجود دارد.

در بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته، آموزش و پرورش نقش مهمی در توسعه کشور ایفا می‌نماید. آموزش و پرورش رکن اصلی در توسعه پایدار هر کشور است و مدرسه را می‌توان به‌عنوان خط مقدم جبهه تعلیم و تربیت در نظر گرفت (بزرگی نژاد و زارعی، ۱۳۹۶). نقشی که مدارس در جامعه امروز دارند، بسیار زیاد و ارزشمند است. مدارس، سنگ بنای اصلی و بنیادی جامعه امروزی محسوب می‌شوند، زیرا مدارس بستری را فراهم می‌کنند که در آن دانش‌آموزان دانش کسب می‌کنند، استعدادها را خود را کشف می‌کنند، مهارت‌های خود را رشد می‌دهند، از نظر شناختی رشد می‌کنند و در نهایت به اعضای مفید جامعه تبدیل می‌شوند (الزهرانی^۳، ۲۰۱۶، ۱۳۶). رسالت اصلی آموزش و پرورش، توان بخشیدن به فرد انسان‌ها در جهت توسعه کامل استعدادها و نیز شناخت توانمندی‌های خلاق خویش است و این هدف بر سایر اهداف آن، ارجحیت دارد. حصول این هدف هرچند دشوار و طولانی است، اما در جهت جستجوی جهانی عادلانه‌تر و بهتر برای زیستن، ضروری محسوب می‌شود (پورپاکی، ۱۳۹۳). لازمه توانمندسازی فرد انسان‌ها، نگاه برابر به تمام آن‌ها فارغ از موضوعات جنسیت، دین، مذهب، نژاد و غیره است. امروزه مدارس در هر کشوری از جمله ایران بر اساس جنسیت، به مدارس دخترانه، پسرانه و مختلط طبقه‌بندی می‌شوند. به‌طور خلاصه، اکثر مدارس ایران به‌صورت تفکیک‌شده دخترانه و پسرانه اداره می‌شوند، اما در برخی مدارس روستایی، عشایری و مناطق محروم مدارس مختلط و بیشتر در دوره ابتدایی مشاهده می‌گردد. بر همین اساس به نظر می‌رسد که در هر کدام از این مدارس چه مدارس تفکیک‌شده و چه مدارس مختلط باید عدالت و برابری در همه زمینه‌ها و متناسب با هر جنسیت مورد توجه قرار گیرد.

۱ . SteelFisher

۲ . Matope

۳ . Alzahrani

با توجه به تأکید تحقیقات مختلف بر وجود تبعیض جنسیتی در مدارس به ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته و همچنین پیامدهای منفی آن، اجرای تحقیقاتی در جهت کاهش این نابرابری‌های جنسیتی ضروری به نظر می‌رسد. با این حال، متأسفانه تحقیق در زمینه کاهش تبعیضات جنسیتی در مدارس ایران یافت نشد. البته تحقیقات متعددی در زمینه نابرابری در مدارس وجود دارد، اما بر موضوع جنسیت تمرکز نکرده‌اند. از جمله نتایج تحقیق پیری زمانه و همکاران (۱۳۹۹) نشان داد که عوامل تأثیرگذار بر نابرابری آموزشی در سطح مدارس دوره ابتدایی شهر تهران شامل ۷ مؤلفه اصلی درونداد، فرایند مدرسه، زمینه خانوادگی، برونداد، زمینه فردی نابرابری، تأثیرات اجتماعی و سیاسی نابرابری‌ها در آموزش و پرورش و شاخص‌های جغرافیایی و ۳۴ زیر مؤلفه که برخی از مهم‌ترین زیر مؤلفه‌ها شامل امکانات فیزیکی، نیروی انسانی، شاخص اقتصادی، جو انضباطی، ارتباط، ادراک عدالت، وضعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده‌ها و غیره هستند. همچنین، نتایج تحقیق سامری و همکاران (۱۳۹۳) در زمینه کاهش نابرابری‌های آموزشی مناطق آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی نشان می‌دهد که در مناطق استان بیشترین میزان نابرابری در شاخص بروندهای غیر شناختی و کمترین میزان نابرابری با در شاخص پیشرفت تحصیلی بوده است. بر اساس نتایج شاخص‌های امکانات علمی آموزشی دانش آموزی دارای بیشترین و متغیر شاخص‌های نیروی انسانی دارای کمترین تأثیرات کلی بر برخورداری و توسعه مناطق آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی بوده‌اند. نتایج شبکه عصبی نیز نشان می‌دهد که بخش فرایند مدرسه بیشترین تأثیر و بخش امکانات فیزیکی کمترین تأثیر را در پیشگویی برخورداری و توسعه مناطق آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی داشته‌اند. همچنین، بین مناطق از نظر برخورداری از شاخص‌های آموزشی و بین دختران و پسران نابرابری وجود دارد. بین دانش‌آموزان متعلق به وضعیت اجتماعی - اقتصادی مختلف نابرابری وجود دارد، اما بین دانش‌آموزان متعلق به قومیت و زبان و مذاهب مختلف نابرابری دیده نشد. بر همین اساس در تحقیق حاضر موضوع نابرابری جنسیتی در مدارس مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. همچنین، به دلیل اهمیت دوره متوسطه به واسطه اینکه پایه کنکور سراسری، انتخاب رشته دانشگاهی و احتمالاً شغل آینده دانش‌آموزان مطرح است، سعی شد در این تحقیق بر مقطع متوسطه تمرکز گردد. بر همین اساس تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که:

مدل پارادایمی تبعیض‌های جنسیتی بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان سمنان چگونه است؟

شرایط علی، عوامل زمینه و مداخله گر، راهبردها و پیامدها کدامند؟

تعریف مفاهیم و پیشینه تحقیق

در تعریف تبعیض آمده است که؛ تبعیض یعنی رفتاری که با شما می‌شود از دیگری بدتر باشد (پورپاکی، ۱۳۹۳).

تعریف تبعیض جنسیتی: برخی نابرابری جنسیتی را نابرابری زن و مرد در امکانات موجود دانسته‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۰، ۶۷۳) و برخی دیگر، هرگونه رفتار، سیاست، زبان و دیگر کنش‌هایی را که نشان‌دهنده دیدگاه ثابت، فراگیر و نهادینه شده اعضای جامعه نسبت به زنان به عنوان موجوداتی فرودست باشد، به معنای نابرابری جنسیتی دانسته‌اند (اعزازی، ۱۳۸۰، ۶).

در تعریف دیگر، نابرابری جنسیتی یعنی در دست گرفتن مجامع، موقعیت‌ها، مزایا و موهبت‌های هر جامعه، به گونه‌ای که یک جنس از آن برخوردار و دیگری از آن بی‌بهره باشد (شکریبگی، ۱۳۹۶، ۴۸). نابرابری جنسیتی عبارت است از برخورد یا عملی که بر اساس جنسیت افراد به تحقیر، طرد، خوار شمردن و کلیشه‌بندی آنان می‌پردازند (شادلو، ۱۳۸۰، ۲۱۱).

مدل به معنای اندازه گرفته شده است. مدل همچنین به ما کمک می کند که به متن و درون پدیده‌هایی که نمی‌توانیم مستقیماً آن‌ها را ببینیم هدایت شویم. مدل جزئی کوچک یا بازسازی کوچکی از یک شیء بزرگ است که از لحاظ کارکرد با شیء واقعی یکسان است (علی مددی و همکاران، ۱۴۰۱).

تحقیقات مختلف به موضوع تبعیض و نابرابری‌های جنسیتی از زوایای مختلف توجه نموده‌اند. برخی از تحقیقات به توصیف وضعیت نابرابری‌های جنسیتی در مدارس کشورهای مختلف تمرکز نموده‌اند. از جمله سارکار^۱ (۲۰۲۲) ادعا کرده است که در مدارس هند، پسران نسبت به دختران در کلاس سروصدای بیشتری می‌کنند، اما معلمان انتظار دارند که دختران برخلاف پسران، همیشه از خود عفت نشان دهند؛ بنابراین رفتار ناخوشایند دختران غیرقابل قبول است. همچنین بسیاری از فعالیت‌های مشترک نظیر خیاطی و کارهای مشابه برای آموزش پسران در نظر گرفته نمی‌شود. بر همین اساس، واضح است که معلمان و والدین باید نقش‌های اصلی را با هم ایفا کنند و برای رفع تبعیض در نظام آموزشی کشورمان باید هوشیارتر باشند. همچنین، عاریف و خالید^۲ (۲۰۲۲) ادعا کردند که سوگیری جنسیتی در کشورهای در حال توسعه از جمله پاکستان ممکن است فرصت‌های آموزشی را برای دختران در مقایسه با پسران محدود کند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که اگرچه سوگیری شدیدی علیه دختران در نرخ‌های ثبت‌نام کلی در مدارس وجود دارد، اما با بررسی بیشتر مشاهده شد که پسران در مقایسه با دختران بیشتر از مدارس خصوصی خارج می‌شوند و سطح تحصیلی مردان بزرگ‌سال نیز کمتر از زنان است. ناکپودیا و جیمز^۳ (۲۰۱۲) نشان دادند که تبعیض علیه دانش‌آموزان دختر در آموزش وجود دارد، زیرا اکثر والدین بی‌سواد معتقدند که فرزند دختر بدون آموزش رسمی می‌تواند زنده بماند، زیرا در نهایت او ازدواج می‌کند و از شوهر انتظار می‌رود که نیازهای او را تأمین کند. سامونز^۴ (۲۰۱۰) نیز ادعا کرده است که هنوز هم شکاف جنسیتی و طبقاتی در بی‌سوادی زنان و دختران و طبقات اجتماعی مختلف در اکثر کشورها و به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته به چشم می‌خورد. علاوه بر این، لنتیلون^۵ و همکاران (۲۰۰۶، ۳۲۱) نیز ادعا کرده‌اند که دانش‌آموزان دختر نمره کمتری نسبت به هم‌تایان پسر خود در درس تربیت‌بدنی دریافت می‌کنند و همچنین دانش‌آموزان دختر نسبت به حمایت بیشتر معلمان تربیت‌بدنی از دانش‌آموزان پسر احساس ناراضی دارند. بخشی دیگر از این تحقیقات نیز پیامدهای منفی تبعیض جنسیتی و پیامدهای مثبت برابری جنسیتی در مدارس را مورد توجه قرار داده‌اند. در این زمینه، باتلر بارنز^۶ و همکاران (۲۰۲۲) اظهار کرده‌اند که تبعیض جنسیتی بر افزایش علائم افسردگی و تمایل به خودکشی در دانش‌آموزان سیاه‌پوست دختر تأثیر گذار است. اونیدیکاجی^۷ (۲۰۲۱) نشان دادند که کلیشه جنسیتی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد و هیئت مدیریت مدرسه و جامعه باید از تبعیض بین دانش‌آموزان دبیرستانی جلوگیری کنند. همچنین، نتایج تحقیق پناهی و همکاران (۱۳۹۵) حاکی از آن است که کاهش نابرابری جنسیتی در آموزش باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود. توور و سوسو^۸ (۲۰۰۸) نیز دریافتند دختران بالغی که حتی تحصیلات ابتدایی را گذرانده‌اند، سالم‌تر، از نظر اقتصادی بهره‌وری بیشتری دارند و کودکانی را تربیت می‌کنند که تمایل دارند مدت بیشتری در مدرسه بمانند.

۱ . Sarkar

۲ . Arif and Khalid

۳ . Nakpodia and James

۴ . Sammons

۵ . Lentillon

۶ . Butler-Barnes

۷ . Onyedikachi

۸ . Tuwor and Sossou

روش‌شناسی

این مطالعه از نوع پژوهش‌های کیفی است. هدف این پژوهش ارائه مدل تبعیض‌های جنسیتی بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان سمنان است. این کار با انجام پژوهش کیفی از نوع گراندتئوری که شیوه آن اکتشافی است، انجام شد. در این تحقیق از طریق بررسی ادبیات و مصاحبه اکتشافی نسبت به ارائه مدل تبعیض‌های جنسیتی بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان سمنان از روش برخاسته از داده‌ها و به شیوه (کدگذاری واحد تحلیل، مقوله‌ها و واحد ثبت) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای انجام مصاحبه میدانی، جامعه آماری پژوهش را خبرگان و اساتید حوزه مدیریت آموزشی بودند که در خصوص موضوع پژوهش تجربه و آگاهی لازم داشتند؛ که این افراد حداقل یک پژوهش (مقاله پژوهشی، سخنرانی، طرح پژوهشی، تألیف و ترجمه کتاب) در حوزه تبعیض جنسیتی در آموزش و پرورش به چاپ رسانده بودند. همچنین برخی مدیران و معلمان زن که در مورد موضوع پژوهش علاقمند بودند. به منظور شناسایی این افراد، در مورد خبرگان و اساتید، از روش نمونه‌گیری هدفمند و در مورد مدیران و معلمان زن، از روش گلوله برفی استفاده گردید. این نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت تعداد ۱۷ نفر (۱۱ استاد و ۶ مدیر و معلم) به عنوان نمونه مشخص گردیدند. قبل از انجام دادن مصاحبه و به همراه سؤالات مصاحبه، نامه‌ای با امضای پژوهشگر مبنی بر تعهد اخلاقی در نگهداری مفاد مصاحبه و مشخصات مشارکت‌کنندگان و انتشار نکردن آن ارسال شد. همچنین، با اطلاع مشارکت‌کنندگان تمام مصاحبه‌ها ضبط و برای استخراج نکات کلیدی بررسی شد. پس از اعلام موافقت، مصاحبه‌ها با محوریت تلقی، برداشت و شاخص‌های موردنظر برای ارائه مدل تبعیض‌های جنسیتی بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان سمنان، برگزار شد. در مصاحبه‌های انجام‌شده پاسخگویان به سؤال موردنظر در مورد ارائه مؤلفه با شاخص جدید و یا تأیید مؤلفه‌ها و شاخص‌های گردآوری‌شده ابرازنظر کردند.

مراحل کدگذاری در گراندتئوری شامل:

۱. گام اول: کدگذاری باز^۱
۲. گام دوم: کدگذاری محوری^۲
۳. گام سوم: کدگذاری انتخابی^۳

گام اول: کدگذاری باز

این مرحله از روش نظریه‌ی داده‌بنیاد بلافاصله بعد از اولین مصاحبه انجام می‌شود؛ به عبارت دیگر، محقق پس از هر مصاحبه شروع به پیدا کردن مفاهیم و انتخاب برجسته‌های مناسب برای آن‌ها و ترکیب مفاهیم مرتبط می‌کند. مراحل کدگذاری باز عبارت است از:

۱. **تحلیل و کدگذاری:** در این مرحله، پژوهشگر باید به کدگذاری همه‌ی رویدادها توجه کند. ممکن است از درون یک مصاحبه یا متن کدهای زیادی استخراج شود؛ ولی وقتی داده‌ها به‌طور مرتب موردبازنگری قرار می‌گیرد کدهای جدید احصاء و کدهای نهایی مشخص می‌شوند.
۲. **جدول کدگذاری باز:** که شامل دو قسمت است، جدول کدهای اولیه‌ی استخراجی از مصاحبه‌ها و جدول طبقه‌های استخراج‌شده از مفاهیم به همراه کدهای مفهومی آن‌ها.

گام دوم: کدگذاری محوری

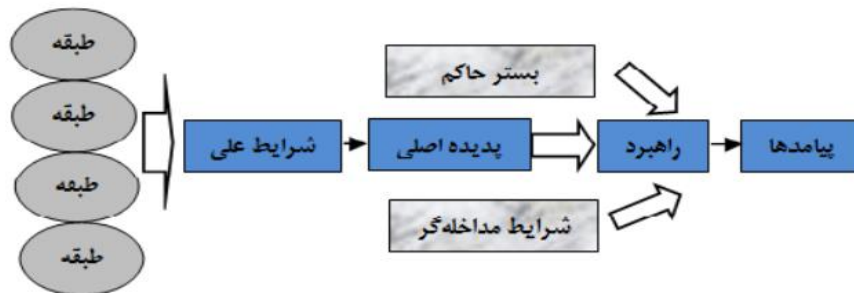
۱. Open Coding

۲. Axial Coding

۳. Selective Coding

مرحله دوم کدگذاری که به آن کدگذاری محوری گفته می‌شود، پژوهشگر یکی از طبقه‌ها را به عنوان طبقه‌ی محوری انتخاب کرده و آن را تحت عنوان پدیده محوری در مرکز فرایند مورد کاوش قرار داده و ارتباط سایر طبقه‌ها را با آن مشخص می‌کند. ارتباط سایر طبقه‌ها با طبقه‌ی محوری در پنج عنوان می‌تواند تحقق داشته باشد.

۱. **شرایط علی:** این شرایط باعث شکل‌گیری پدیده یا طبقه محوری می‌شوند. این شرایط مجموعه‌ای از طبقه‌ها و ویژگی‌ها نشان است که مقوله‌ی اصلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
۲. **راهِبردها (کنش‌ها و تعاملات):** بیانگر رفتارها، واقعیت‌ها و تعاملات هدف‌داری هستند که تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر و بستر حاکم حاصل می‌شوند.
۳. **بستر حاکم:** به شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند بستر گفته می‌شود و تمیز آن‌ها از شرایط علی مشکل است. این شرایط را مجموعه‌ای از مفاهیم، طبقه‌ها یا متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهند، در مقابل شرایط علی، مجموعه‌ای از متغیرهای فعال است. گاهی اوقات متغیرهای بسیار مرتبط را ذیل شرایط علی و متغیرهایی با ارتباط کمتر را ذیل بستر حاکم طبقه‌بندی می‌کنند.
۴. **شرایط مداخله‌گر:** شرایطی هستند که راهبردها از آن‌ها متأثر می‌شوند. این شرایط را مجموعه‌ای از متغیرهای میانجی و واسط تشکیل می‌دهند. شرایط مداخله‌گر، شرایط ساختاری هستند که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می‌کنند و صبغه علی و عمومی دارند.
۵. **پیامدها:** برخی از طبقه‌ها بیانگر نتایج و پیامدهایی هستند که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می‌آیند. این روش کدگذاری که اصطلاحاً به آن مدل پارادایم کدگذاری محوری گفته می‌شود توسط استراوس و کوربین ارائه شده است و به این دلیل محوری گفته می‌شود که کدگذاری حول «محور» یک طبقه انجام می‌شود (شکل ۱).



شکل ۱. مدل پارادایمی کدگذاری محوری

گام سوم: کدگذاری انتخابی (گزینشی)

روند انتخاب مقوله‌ی اصلی به‌طور منظم و سیستماتیک آن با سایر مقوله‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط و پرکردن جاهای خالی با مقولاتی که نیاز به اصلاح و گسترش دارند. این روند شامل چند گام می‌باشد: اولین قدم متضمن توضیح خط اصلی داستان است. گام دوم، ربط دادن مقولات تکمیلی بر حول مقوله‌ی اصلی با استفاده از یک پارادایم (که در کدگذاری محوری توصیف شده است) است. گام سوم، مرتبط ساختن مقولات به یکدیگر در سطح بعدی است. گام چهارم، به تأیید رساندن آن روابط در قبال داده‌ها است. آخرین قدم، تکمیل مقولاتی است که اصلاح و یا نیاز به بسط و گسترش دارند.

روایی و پایایی داده‌ها (قابلیت اعتماد تحقیق)

برای بررسی روایی، یافته‌های پژوهش را برای مشارکت کنندگان ارائه و متن نظریه توسط آن‌ها مطالعه و دیدگاه‌های آن‌ها اعمال شده است. در پایان، این پژوهش توسط اساتید مورد مطالعه و بازبینی قرار گرفته و مواردی جهت اصلاح یا تغییر نظریه‌ی نهایی بیان شده است. یکی از راه‌های نشان دادن پایایی، مطالعه حساسی فرآیند آن است. یافته‌های آن، زمانی قابل حساسی هستند که محقق دیگر بتواند مسیر تصمیم به کاررفته توسط محقق در طول مصاحبه را نشان دهد؛ بنابراین محقق پایایی داده‌ها را از طریق نشان دادن مسیر تصمیمات خود و همچنین قراردادن تمامی داده‌های خام، تحلیل شده، کدها، مقوله‌ها، فرآیند مطالعه، اهداف اولیه و سؤال‌ها در اختیار اساتید راهنما و مشاور قرار داد و با حساسی دقیق صاحب‌نظران درستی تمام گام‌های تحقیق مورد تأیید قرار گرفت. علاوه بر این در تحقیق کنونی از روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی مصاحبه‌های انجام گرفته استفاده شده است. برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون موضوعی دو کدگذار (ارزیاب)، از یک دانشجوی مقطع دکتری مدیریت آموزشی درخواست شد تا به‌عنوان همکار پژوهش (کدگذار) در پژوهش مشارکت کند؛ آموزش‌ها و تکنیک‌های لازم جهت کدگذاری مصاحبه‌ها به ایشان انتقال داده شد. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در نظر دو نفر هم مشابه هستند با عنوان «توافق» و کدهای غیرمشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص می‌شوند. سپس محقق به همراه این همکار پژوهش، تعداد سه مصاحبه را کدگذاری کرده و درصد توافق درون موضوعی که به‌عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد:

$$\text{درصد توافق} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 100}{\text{تعداد کل کدها}}$$

نتایج حاصل این کدگذاری در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱. نتایج بررسی پایایی دو کدگذار

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل داده‌ها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی باز آزمون (درصد)
۱	اول	۳۸	۱۸	۲	۹۴/۷٪
۲	دوم	۴۲	۱۹	۴	۹۰/۵٪
۳	سیزدهم	۲۹	۱۳	۳	۸۹/۶٪
	کل	۱۰۹	۵۰	۹	۹۱/۷٪

همان‌طور که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، تعداد کل کدهای ثبت شده توسط هر دو نفر (محقق و فرد همکاری کننده) برابر ۱۰۹، تعداد کل توافقات بین این کدها ۵۰ و تعداد کل عدم توافقات بین این کدها ۹ می‌باشد. پایایی بین دو کدگذار با استفاده از فرمول ذکر شده ۹۱/۷٪ است که از ۶۰٪ بالاتر بوده بنابراین قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است. اطلاعات مربوط به روایی و پایایی مصاحبه‌ها در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. روایی و پایایی بخش کیفی به صورت خلاصه

نتیجه	روش
تأیید	تأیید فرایند پژوهش توسط ۸ متخصص
تأیید	قابلیت باورپذیری (اعتبار) استفاده از دو کدگذار جهت کدگذاری چند نمونه مصاحبه

انتقال پذیری	نظرات سه متخصص که در پژوهش مشارکت نداشتند	تأیید
تایید پذیری	ثبت و ضبط تمامی مصاحبه‌ها	تأیید
مطالعه حسابرسی فرآیند	در اختیار قرار دادن اطلاعات به اساتید راهنما و مشاور	تأیید
توافق درون موضوعی دو	تحلیل سه مصاحبه توسط محقق و همکار و مشخص نمودن	پایایی بین دو کدگذار: ۹۱/۷٪
کدگذار	کدهای مشابه و غیر مشابه	بیشتر از ۶۰٪ و تأیید پایایی

از نرم افزار ۱ Max QDA نسخه Pro به منظور تحلیل و کدگذاری مصاحبه‌های انجام شده استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

تحلیل وضعیت جمعیت شناختی

جدول ۳. ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت شناختی	گروه‌ها	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۹	۵۲/۹
	زن	۸	۴۷/۱
	دکتری	۱۱	۶۴/۷
سطح تحصیلات	کارشناسی ارشد	۴	۲۳/۵
	کارشناسی	۲	۱۱/۸

نتایج بخش توصیفی مربوط به ویژگی‌های جمعیت شناختی پژوهش نشان داد که اکثر نمونه‌های پژوهش مرد (۵۲/۹ درصد) و اکثر نمونه‌ها دارای تحصیلات دکتری بودند (۶۴/۷ درصد).

گام اول: کدگذاری باز

الف) کدگذاری اولیه یک نمونه از مصاحبه‌ها

در ادامه به دلیل محدودیت انتشار و تعداد صفحه، فقط متن یک مصاحبه (هرچند لازم به ذکر است که متن مصاحبه‌ای که در اینجا آورده شده است، فقط قسمتی از مصاحبه بوده است)، نحوه کدگذاری باز آن‌ها، طبقات محوری و مدل را به ترتیب و تفصیل به معرض نمایش گذاشته شده است.

جدول ۴. نمونه‌ای از کدگذاری اولیه مصاحبه‌ها (مصاحبه دوم)

ردیف	گزاره‌های کلامی	کدهای باز
۱.		نگاه جامعه
۲.	به نظر من، نگاه جامعه خیلی مهم است. مدیران هم از همین جامعه سربر آورده‌اند. نگاه	مقایسه سیستم آموزشی سایر کشورها
۳.	کنید به اکثر کشورها، خیلی از آن‌ها، چون مدارس دخترانه و پسرانه باهم هستند و دختر	کلاس‌های آموزشی مختلط
۴.	و پسر در یک کلاس درس می‌خوانند، این مشکلات وجود ندارد؛ یعنی تمام امکانات	برابری امکانات آموزشی
۵.	باهم برابر است، بیش مدیران نسبت به آموزش و یادگیری هر دو گروه باهم برابر است؛	بیش مدیران
۶.	بنابراین خیلی از این مشکلات وجود ندارد؛ بنابراین درک مدیران از وضعیت مدارس	درک مدیران از وضعیت مدارس دخترانه
۷.	دخترانه و روحیات و نیازهای دختران از همه مهم‌تر است.	درک مدیران از روحیات دختران
۸.		درک مدیران از نیازهای دختران

نگاه خانواده	۹.
تبعیض خانواده‌ها در آموزش دختر و پسر	۱۰. نگاه خانواده‌ها به آموزش دختران و پسران هم باهم متفاوت است. اولویت اول یادگیری
آینده دختران	۱۱. در خانواده‌ها، یادگیری پسران است. از نظر آن‌ها دختران نهایتاً باید ازدواج کنند و
مسئولیت نداشتن دختران در خانواده	۱۲. مسئولیتی در قبال خانواده خود ندارند.
اولویت یادگیری خانواده‌ها	۱۳.
نگاه مدیران از هزینه کرد	۱۴.
امکانات آموزشی	۱۵. نگاه مدیران از هزینه کرد در امکانات و زیرساخت‌های آموزشی بیشتر به سمت مدارس
زیرساخت‌های آموزشی	۱۶. پسرانه سوق پیدا می‌کند چرا که همان بینش مهم بودن آموزش پسران، مانع برابری منابع
بینش مهم بودن آموزش پسران	۱۷. مالی در مدارس دخترانه و پسرانه می‌شود.
نابرابری منابع مالی در مدارس دخترانه و پسرانه	۱۸.

ب) **کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی مقولات (ادامه گراند تئوری):** در مرحله بعد، چند کد مفهومی تبدیل به یک مقوله می‌شود. در جداول زیر قسمت کوچکی از نتایج کدگذاری باز بر اساس کدهای مفهومی و مقولات آورده شده است.

جدول ۵. کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی مقولات

ردیف	کد محوری	مقوله	مفاهیم	کد مصاحبه‌شونده
۱.	شرایط علی	نگرشی	نگرش دانش‌آموزان دختر و پسر نسبت به وجود تبعیض‌های جنسیتی	P1, P2, P5
۲.			نگرش معلمان زن و مرد نسبت به وجود تبعیض‌های جنسیتی	P1, P2, P5
۳.			نگرش مدیران زن و مرد مدارس نسبت به وجود تبعیض‌های جنسیتی	P6, P8, P14
۴.			نگرش خانواده‌ها نسبت به وجود تبعیض‌های جنسیتی	P2, P4, P6, P16
۵.			نگرش جامعه نسبت به وجود تبعیض‌های جنسیتی	P1, P3, P9
۶.			نقش مدیران آموزش و پرورش نسبت به وجود تبعیض‌های جنسیتی	P2, P4, P17
۷.	عوامل سازمانی	عوامل	وجود قوانین پیشگیرانه در آموزش و پرورش نسبت به رفع تبعیض‌های جنسیتی	P3, P6, P8, P16
۸.			برنامه‌ریزی در خصوص رفع تبعیض‌های جنسیتی در آموزش و پرورش	P1, P10, P15
۹.			وجود قوانین حامی مردان در جامعه	P2, P4, P6, P14
۱۰.			وجود قوانین مربوط به فعالیت زنان در جامعه	P2, P4, P5, P16
۱۱.	شرایط مداخله‌گر	عوامل	وجود قانون کسب اجازه از پدر و یا همسر برای دختران در بسیاری از امور	P1, P2, P11
۱۲.			وجود قوانین قضایی به نفع پسران (دیه، شهادت، ارث و ...)	P4, P11, P13
۱۳.			وجود قوانین مربوط به حجاب	P5, P9, P12
۱۴.			قوانین مربوط به منع تردد زنان در ورزشگاه‌ها در زمان مسابقات (فوتبال)	P3, P4, P8, P9

P1, P2, P15	نگاه جامعه به تحصیل دختران صرفاً به منظور مادران بهتر شدن	۱۵.	
P2, P4, P16	نگاه جامعه در مورد عدم نیاز به داشتن شغل برای دختران در آینده	۱۶.	
P4, P6, P9	نگاه جامعه به نقش دختران در منزل	۱۷.	
P9, P11, P12	نگاه جامعه به منبع درآمدزایی پسران نسبت به دختران	۱۸.	شرایط زمینه‌ای
P3, P4, P17	وجود فرصت‌های شغلی بیشتر برای پسران	۱۹.	
P1, P2, P9, P11	کم‌اهمیت بودن شغل‌های زنان نسبت به مردان از نگاه جامعه	۲۰.	
P2, P3, P3	نگاه جامعه نسبت به قبول تبعیض‌های بین دختر و پسر از سوی دختران	۲۱.	
P1, P4, P6, P14	رفع محدودیت تدریس معلمان مرد در مدارس دخترانه	۲۲.	
P2, P4, P5, P15	ارائه بازخورد از موفقیت‌ها و نیازهای دانش‌آموزان دختر از سوی مدیران مدارس به مدیران ارشد	۲۳.	
P1, P3, P16	تدوین برنامه جامع برای رفع تبعیض‌های جنسیتی از سوی مدیران ارشد با حضور تمامی ذینفعان	۲۴.	
P5, P7, P8, P16	برداشتن سقف شیشه‌ای برای مدیران زن در آموزش و پرورش	۲۵.	راهبردها
P2, P3, P10	پایبندی به تعهدات بین‌المللی در خصوص رفع تبعیض جنسیتی در آموزش	۲۶.	
P2, P5, P17	شناسایی و معرفی بانوان (دانش‌آموزان دختر) نخبه در رسانه‌ها به عموم مردم	۲۷.	
P6, P7, P15	رفع و یا اصلاح قوانین ضد فعالیت بانوان در جامعه	۲۸.	
P10, P11	حضور پررنگ زنان بیش‌ازپیش در فعالیت‌های اجتماعی	۲۹.	
P2, P5, P14	ایجاد شادابی و نشاط در جامعه	۳۰.	
P6, P8, P10	افزایش امید به زندگی در دانش‌آموزان دختر	۳۱.	
P1, P3, P13	بهبود کیفیت زندگی دانش‌آموزان دختر	۳۲.	پیامدها
P3, P5, P16	بهبود عملکرد تحصیلی، هنری، علمی، ورزشی و دختران دانش‌آموزان	۳۳.	
P1, P5, P17	تربیت نسلی شاداب و باروحيه توسط مادران آینده	۳۴.	
P3, P6, P16	کاهش هزینه‌های درمانی ناشی از افسردگی زنان	۳۵.	
P1, P2, P15	میزان نابرابری دانش‌آموزان دختر در استفاده از امکانات آموزشی نسبت به پسران	۳۶.	پدیده اصلی
P3, P7, P17	میزان نابرابری دانش‌آموزان دختر در استفاده از معلمان مرد نسبت به پسران	۳۷.	نابرابری جنسیتی

P2, P7, P15	میزان نابرابری دانش آموزان دختر در کسب جایگاه اجتماعی نسبت به پسران	۳۸.
P1, P3, P8	میزان نابرابری دختران در تصاحب شغل‌ها نسبت به پسران	۳۹.
P3, P6, P16	میزان نابرابری دختران در کسب پست‌های مدیریتی نسبت به پسران	۴۰.

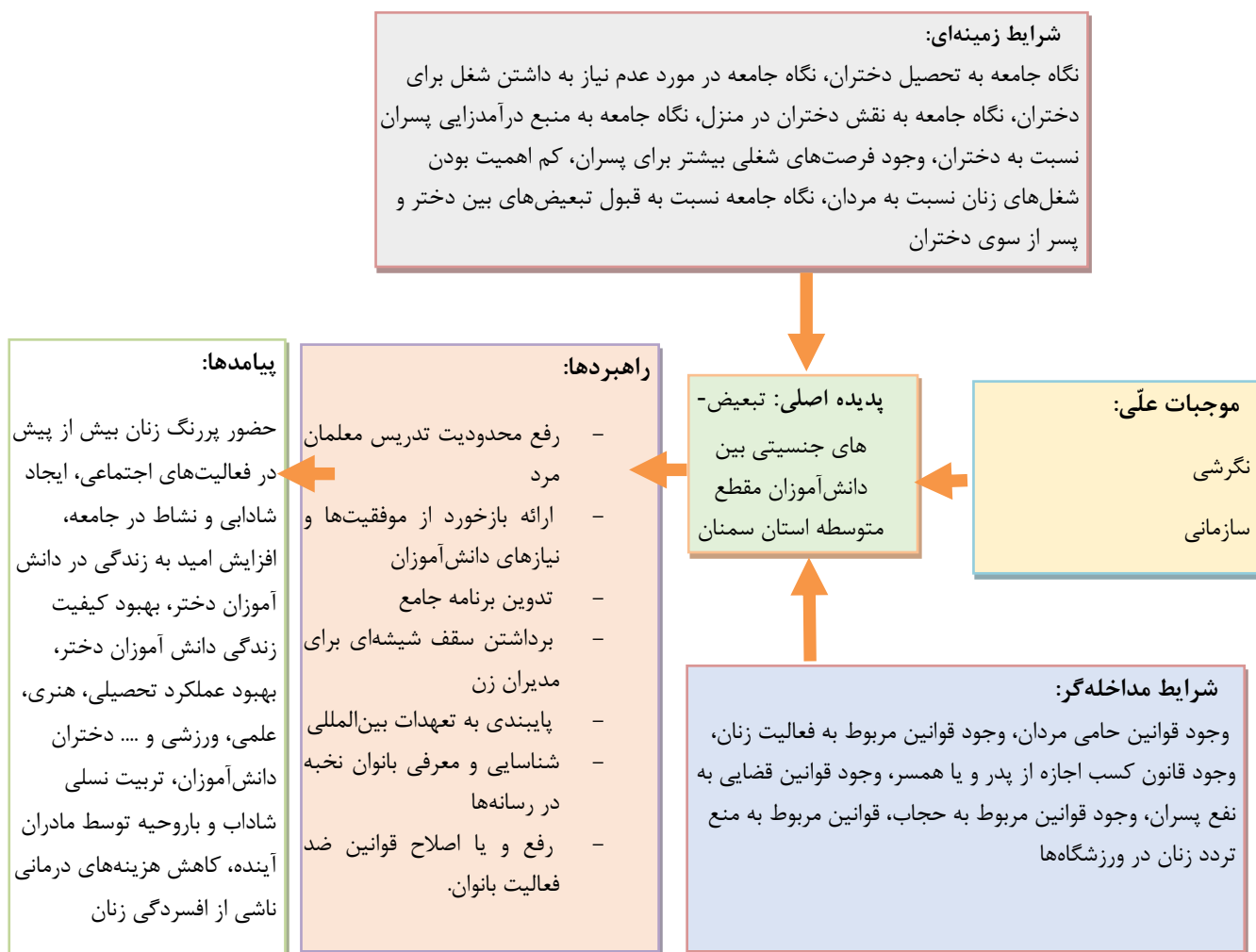
Source: Research findings

در نهایت بعد از بررسی‌های بسیار و مشورت با اساتید راهنما و چند تن از اساتید دیگر، مقوله‌ها در قالب ۷ مقوله و ۴۰ کد مفهومی مشخص شد و در دل ابعاد ۶ گانه مدل پارادایمی به صورت موجبات علی (۲ مقوله)، مقوله اصلی: تبعیض جنسیتی (۱ مقوله)، راهبردها (۱ مقوله)، شرایط زمینه‌ای (۱ مقوله)، شرایط مداخله گر (۱ مقوله) و پیامدها (۱ مقوله) جای گرفتند.

گام دوم: کدگذاری محوری

بر اساس نظریه‌ی استراوس و کوربین (۲۰۰۸)، از مدل پارادایمی (شکل ۲) استفاده شد.

مدل مفهومی ارائه مدل تبعیض‌های جنسیتی بین دانش آموزان مقطع متوسطه استان سمنان در شکل ۲ نشان داده شده است:



شکل ۲. مدل مفهومی ارائه مدل تبعیض‌های جنسیتی بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان سمنان

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به طراحی مدل پارادایمی تبعیض‌های جنسیتی بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان سمنان پرداخته شده است. به همین جهت، از نظریه داده بنیاد برای ارائه الگو استفاده شد و مدل ارائه شده از فرایندهای کدگذاری ناشی از مصاحبه با نخبگان به دست آمد. بر اساس نتایج تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه، مدل پارادایمی تبعیض‌های جنسیتی بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان سمنان حاوی ۷ مقوله و ۴۰ کد مفهومی در قالب ابعاد شش‌گانه شامل موجبات علی (۲ مقوله)، مقوله اصلی: تبعیض جنسیتی (۱ مقوله)، راهبردها (۱ مقوله)، شرایط زمینه‌ای (۱ مقوله)، شرایط مداخله‌گر (۱ مقوله) و پیامدها (۱ مقوله) جای گرفتند. مطابق یافته‌های تحقیق دو مقوله نگرشی و عوامل سازمانی در تبعیض‌های جنسیتی بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان سمنان تأثیرگذار هستند. به نظر می‌رسد باید تغییر نگرش در تمام ذینفعان مدارس مقطع متوسطه استان سمنان از جمله دانش‌آموزان دختر و پسر، معلمان زن و مرد، مدیران زن و مرد، خانواده‌ها و جامعه نسبت به وجود تبعیض‌های جنسیتی انجام گیرد. متأسفانه در جامعه اهمیت کمتری برای تحصیلات دانش‌آموزان دختر قائل هستند، زیرا در بخشی از جامعه (احتمالاً در والدین با طبقه اجتماعی و

تحصیلات پایین) هنوز این اعتقاد وجود دارد که تحصیلات برای دانش‌آموزان دختر (نسبت به دانش‌آموزان پسر) چندان ضروری نیست. در این زمینه ناکپودیا و جیمز (۲۰۱۲) نیز ادعا کرده‌اند که در کشور هند اکثر والدین بی‌سواد معتقدند که فرزند دختر بدون آموزش رسمی می‌تواند زنده بماند، زیرا در نهایت او ازدواج می‌کند و از شوهر انتظار می‌رود که نیازهای او را تأمین کند. به نظر می‌رسد این موضوع در استان سمنان نیز وجود داشته باشد و به دلیل اینکه مردان عهده‌دار وظیفه تأمین مالی خانواده هستند، تحصیلات دانش‌آموزان دختر و کاهش نابرابری‌های جنسیتی دانش‌آموزان دختر نسبت به دانش‌آموزان پسر برای تمام ذینفعان چندان اهمیت ندارد. با توجه به اینکه یکی از اهداف مهم تحصیلات در ایران یافتن شغل مناسب است که مقطع متوسطه اهمیت زیادی در این زمینه دارد، زیرا دروس ارائه‌شده در مقطع متوسطه به‌عنوان پایه کنکور سراسری، انتخاب رشته دانشگاهی و احتمالاً شغل مرتبط در نظر گرفته شده‌اند. بر همین اساس برای کاهش نابرابری‌های جنسیتی ابتدا باید نگرش تمام ذینفعان تغییر یابد و با مطالبه‌گری از طرف آن‌ها حرکت به سمت کاهش این نابرابری‌ها آغاز گردد. در کنار تغییر نگرش ذینفعان، عوامل سازمانی نیز بر تبعیض‌های جنسیتی بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان سمنان تأثیرگذار می‌باشند. نقش مدیران آموزش و پرورش نسبت به کاهش تبعیض‌های جنسیتی بسیار اهمیت دارد. مدیران عالی اداره کل آموزش و پرورش استان سمنان ضمن برنامه‌ریزی در خصوص رفع تبعیض‌های جنسیتی در آموزش و پرورش استان، باید شرایطی را فراهم آورند که تمام دانش‌آموزان دختر و پسر از شرایط برابر تحصیلی برخوردار گردند. این موضوع به‌ویژه در مورد روستاها و مناطق کم برخوردار از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا ممکن است تحصیلات دانش‌آموزان دختر به دلیل مسائل مختلف از جمله نبود مدارس متوسطه دخترانه در روستاها، عدم وجود معلمان باکیفیت در مدارس روستایی و مناطق کم برخوردار، سختی رفت و آمد برای معلمان زن شاغل در مدارس روستایی، سختی رفت و آمد برای حضور دانش‌آموزان دختر برای حضور در مدارس شهری و غیره تحت تأثیر قرار گیرد. بر همین اساس باید شرایطی فراهم گردد که ضمن کاهش تبعیض جنسیتی در مدارس، تبعیضات جنسیتی که جامعه برای دانش‌آموزان دختر برای تحصیل به وجود آورده است نیز کاهش یابند. از طرفی وجود قوانین پیشگیرانه در آموزش و پرورش نسبت به رفع تبعیض‌های جنسیتی نیز در کاهش تبعیض‌های جنسیتی بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان سمنان مؤثر است. قوانین باید به گونه‌ای باشند که ضمن برقراری برابری جنسیتی، در کاهش نابرابری‌هایی که در گذشته اتفاق افتاده است نیز تأثیرگذار باشند. به‌عنوان مثال در برخی از مناطق روستایی و کم برخوردار مدارس پسرانه وجود دارد، در حالی که مدارس دخترانه در همان منطقه وجود ندارد و با وجود سختی‌های بیشتر در رفت و آمد برای دانش‌آموزان دختر، ممکن است به ترک تحصیل این دانش‌آموزان منجر گردد. بر همین اساس قوانینی باید در زمینه تغییر کاربری مدارس پسرانه به مدارس دخترانه و یا دو شفته کردن این مدارس تنظیم شوند. همچنین قوانین حمایتی برگزاری کلاس‌های سوادآموزی، سرویس‌های رایگان و غیره می‌تواند در کاهش تبعیض‌های جنسیتی در این مناطق تأثیرگذار باشند.

پدیده محوری در این مدل، تبعیض‌های جنسیتی در مدارس متوسطه استان سمنان است که شامل میزان نابرابری دانش‌آموزان دختر نسبت به پسران در استفاده از امکانات آموزشی، استفاده از معلمان مرد، کسب جایگاه اجتماعی، تصاحب شغل‌ها و کسب پست‌های مدیریتی می‌شود و مقوله‌ها بر مبنای مدل پارادایمی حول آن سازماندهی می‌شوند. در مدل پارادایمی ارائه‌شده در این تحقیق، یک سری راهبردها ارائه شده است. یکی از محدودیت‌های مدارس متوسطه وجود محدودیت برای معلمان مرد و زن برای تدریس دانش‌آموزان جنس مخالف است، یعنی معلمان مرد در مدارس متوسطه نمی‌توانند معلم دانش‌آموزان دختر شوند و بالعکس. به نظر می‌رسد تجربه تدریس معلمان مختلف می‌تواند بر کیفیت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر داشته باشد، به‌ویژه زمانی که برای مدارس دخترانه معلم باکیفیت زن وجود نداشته باشد و یا در مناطقی که حضور معلمان زن با دشواری مواجه است (مناطق روستایی، محروم

و دورافتاده). بر همین اساس یکی از راهبردهای کاهش تبعیض‌های جنسیتی در مدارس متوسطه استان سمنان، رفع محدودیت تدریس معلمان مرد در مدارس متوسطه دخترانه است. همچنین به دلیل فرهنگ مرد سالاری و اهمیت بیشتر تحصیلات برای دانش‌آموزان در جامعه، دانش‌آموزان دختر خود نیز به‌نوعی پذیرفته‌اند که تحصیلات برای آن‌ها اهمیت کمتری دارد و اعتماد به نفس کافی را برای رسیدن به درجات عالی تحصیلی را ندارند؛ بنابراین نیاز است برای کاهش تبعیض‌های جنسیتی در مدارس متوسطه استان سمنان، راهبردهای تشویقی از جمله ارائه بازخورد از موفقیت‌ها و نیازهای دانش‌آموزان دختر از سوی مدیران مدارس به مدیران ارشد و شناسایی و معرفی بانوان (دانش‌آموزان دختر) نخبه در رسانه‌ها به عموم مردم مورد توجه قرار گیرد تا این دانش‌آموزان احساس کنند که در شرایط برابر با دانش‌آموزان پسر قرار دارند. همچنین غیر از محیط مدرسه نیاز است که در جامعه نیز محدودیت‌های پیش روی زنان برداشته شود تا دانش‌آموزان دختر احساس نمایند که آینده روشنی در انتظار آن‌ها قرار دارد. برداشتن سقف شیشه‌ای برای مدیران زن در آموزش و پرورش، رفع و یا اصلاح قوانین ضد فعالیت بانوان در جامعه و پابندی به تعهدات بین‌المللی در خصوص رفع تبعیض جنسیتی در آموزش از جمله راهبردهایی هستند که می‌توانند در جهت کاهش تبعیض‌های جنسیتی مؤثر واقع شوند. در نهایت تدوین برنامه جامع برای رفع تبعیض‌های جنسیتی از سوی مدیران ارشد با حضور تمامی ذینفعان نیز باید مورد توجه قرار گیرد و با مشخص شدن اهداف و مأموریت، راهبردها و در نهایت تدوین برنامه عملیاتی، گام‌های مؤثری در جهت کاهش تبعیض‌های جنسیتی در مدارس متوسطه استان سمنان برداشته شود.

مطابق یافته‌های تحقیق، مجموعه‌ای از شرایط زمینه‌ای وجود دارند که اجرای مدل ارائه‌شده در این تحقیق را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بخشی از این شرایط مربوط به نگاه جامعه به زنان است که حقوق برابر با مردان را برای آن‌ها قائل نیستند و در بیشتر موارد در سطوح پایین‌تری از مردان قرار می‌گیرند. از جمله نگاه جامعه به تحصیل دختران صرفاً به منظور مادران بهتر شدن، عدم نیاز به داشتن شغل برای دختران در آینده، نقش دختران در منزل، منبع درآمدزایی پسران نسبت به دختران، قبول تبعیض‌های بین دختر و پسر از سوی دختران و کم‌اهمیت بودن شغل‌های زنان نسبت به مردان که همگی این موارد به تبعیض جنسیتی بیشتر علیه دانش‌آموزان دختر در مدارس متوسطه استان سمنان منجر خواهد شد. به دلیل اینکه تغییر نگاه جامعه یک فرایند زمان‌بر می‌باشد، باید با پذیرش چنین شرایطی برای کاهش جنسیتی در مدارس متوسطه استان سمنان تلاش نمود که البته همین کاهش تبعیض جنسیتی در مدارس می‌تواند به تغییر نگرش جامعه کمک نماید. بخش دیگری از شرایط زمینه‌ای مربوط به واقعیات جامعه کنونی است که وضعیت شغلی مناسب‌تری را برای مردان فراهم نموده است. در جامعه ایران مردان از فرصت‌های شغلی بیشتری نسبت به زنان برخوردار هستند. اکثریت پست‌های مدیریتی کلان کشور، شغل‌های فیزیکی و نیازمند توان جسمانی بالا، شغل‌های پرخطر و غیره که بنا بر محدودیت‌های قانونی و فرهنگی برای زنان جامعه ایران مناسب دیده نمی‌شوند. بر همین اساس زنان با جمعیت تقریباً برابر با مردان، از فرصت‌های شغلی بسیار محدودتری با شرایط ناعادلانه‌تری نسبت به مردان برخوردار هستند که همین مسئله تبعیض جنسیتی در مدارس متوسطه را تحت شعاع قرار می‌دهد. موضوع فرصت‌های شغلی نابرابر برای زنان در بازار کار ایران در تحقیق زبیدی و همکاران (۱۳۹۹) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. البته در سایر کشورها نیز چنین موضوعی وجود دارد، به طوی که ماتوپ (۲۰۱۲) نیز نشان داد که تبعیض جنسیتی در انتصابات، ارتقاء و واگذاری وظایف و مسئولیت‌های مؤسسات آموزشی به صورت آشکار رخ می‌دهد. در کنار شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر نیز در کاهش تبعیض جنسیتی در مدارس متوسطه استان سمنان اثرگذار هستند؛ به‌طوری‌که قوانین کشور از جمله قوانین حامی مردان در جامعه، قوانین مربوط به فعالیت زنان در جامعه، قانون کسب اجازه از پدر و یا همسر برای دختران در بسیاری از امور، قوانین قضایی به نفع پسران (دیه، شهادت، ارث و غیره)، قوانین مربوط به حجاب و قوانین

مربوط به منع تردد زنان در ورزشگاه‌ها در زمان مسابقات فوتبال در بروز تبعیض‌های جنسیتی در مدارس متوسطه استان سمنان مؤثر هستند. به‌طور مثال به دلیل قانون حجاب بسیاری از دختران امکان فعالیت‌های ورزشی آزادانه در حیاط مدارس را ندارند و به دلیل اینکه مدارس نیز امکانات ورزشی کافی از جمله سالن ورزشی ندارند، مجبور به انجام فعالیت‌های ورزشی بالباس‌های غیراستاندارد و نامناسب هستند.

در مجموع، در صورت توجه به مدل ارائه‌شده در این تحقیق و اجرای راهبردهای توصیه‌شده، می‌توان انتظار پیامدهای مثبتی از جمله حضور پررنگ زنان بیش‌ازپیش در فعالیت‌های اجتماعی، ایجاد شادابی و نشاط در جامعه، افزایش امید به زندگی در دانش‌آموزان دختر، بهبود کیفیت زندگی دانش‌آموزان دختر، بهبود عملکرد تحصیلی، هنری، علمی، ورزشی و غیره در دختران دانش‌آموزان، تربیت نسلی شاداب و بارور حیه توسط مادران آینده و کاهش هزینه‌های درمانی ناشی از افسردگی زنان بود. آنچه در این تحقیق به‌صورت کلی نقش آن بر تبعیض جنسیتی در مدارس متوسطه استان سمنان هویدا بود، نگاه سطح پایین جامعه به تحصیلات دانش‌آموزان دختر نسبت به دانش‌آموزان پسر است که زنان را به دلیل داشتن وظیفه مهم مادر بودن و عدم نیاز به داشتن شغل، بی‌نیاز از ادامه تحصیل یا برخورداری از تحصیلات باکیفیت می‌داند. باین‌حال، تاریخ کشورهای مختلف پر است از زنانی که در کنار داشتن وظیفه مهم مادر بودن، در عرصه‌های مختلف علمی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدیریتی و غیره درخشانند و نام خود را در تاریخ ثبت نموده‌اند. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود برای تغییر نگرش ذینفعان و جامعه، با استفاده از ابزارهای مختلف از جمله رسانه‌های جمعی فرهنگ‌سازی در جامعه انجام گیرد و اهمیت و جایگاه والای زن در فرهنگ ایرانی اسلامی مورد تأکید قرار گیرد. از طرف دیگر نباید از نابرابری‌های جنسیتی در حوزه امکانات نیز غافل ماند و با توجه به تبعیض‌های جنسیتی در سطح جامعه و سختی‌های پیش روی دانش‌آموزان دختر برای ادامه تحصیل، شرایطی فراهم گردد که دانش‌آموزان دختر نسبت به دانش‌آموزان پسر از اولویت امکاناتی برخوردار گردند. درنهایت با توجه به نتایج تحقیق و وجود محدودیت تحقیقاتی، سایر محققان می‌توانند تحقیقاتی در حوزه فرهنگ‌سازی در سطح جامعه و تغییر نگرش ذینفعان (دانش‌آموزان دختر و پسر، معلمان زن و مرد، مدیران زن و مرد و خانواده‌ها) برای کاهش تبعیض جنسیتی در مدارس انجام دهند. همچنین تدوین برنامه‌های راهبردی و عملیاتی که در این تحقیق مورد اشاره قرار گرفت، کاهش تبعیض جنسیتی در مدارس متوسطه استان سمنان بسیار بااهمیت است.

منابع

۱. اعزازی، شهلا (۱۳۸۰). خشونت خانگی زنان کتک خورده. تهران: نشر سالی.
۲. بزرگی نژاد، خدیجه؛ زارعی، رضا (۱۳۹۶). ابعاد و شاخص‌های کیفیت مدارس. دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
۳. پیری زمانه، مسلم؛ عباس پور، عباس؛ غیاثی ندوشن، سعید؛ خورسندی طاسکوه، علی؛ برزوئیان، صمد (۱۳۹۹). الگوی مناسب کاهش نابرابری آموزشی در مدارس ابتدایی شهر تهران. مدیریت مدرسه، دوره ۸، شماره ۴، ۲۱۹-۲۴۳.
۴. پناهی، حسین؛ سلمانی، بهزاد؛ آل عمران، سیدعلی (۱۳۹۵). تأثیر نابرابری جنسیتی در آموزش بر رشد اقتصادی ایران. جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دوره ۵، شماره ۱، ۴۳-۶۱.
۵. پورپاکی، آذر (۱۳۹۳). بررسی رویکردهای نوین در نظام آموزش و پرورش پویا و مؤثر. نشریه نگاه، هفته اول، ۲۸-۴۱.

۶. زبیدی، حیدر؛ امامی، کریم؛ غفاری، فرهاد (۱۳۹۹). اثر سیاست پولی بر تولید و تورم در شرایط تبعیض جنسیتی در بازار کار ایران. *مدل سازی اقتصادی*، دوره ۱۴، شماره ۳، ۷۲-۳۹.
۷. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). *دایره المعارف علوم اجتماعی*. تهران: انتشارات کیهان.
۸. سامری، مریم؛ حسنی، محمد؛ سیدعباس زاده، میرمحمد؛ موسوی، میرنجف (۱۳۹۳). مدل سازی کاهش نابرابری های آموزشی مناطق ۲۴ گانه آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی. *مطالعات مدیریت آموزشی*، دوره ۳، شماره ۶، ۱۳۵-۱۵۷.
۹. شادلو، شیده (۱۳۸۰). نقش فرهنگ در متعادل ساختن نگرش های جنسیتی در حیات اجتماعی برای توانمند ساختن زنان. *مجموعه مقالات همایش توانمندسازی زنان*. تهران: مرکز مشارکت زنان.
۱۰. شکریگی، عالیہ (۱۳۹۶). بررسی نابرابری جنسیتی و عوامل مرتبط با آن در بین زنان شهر بوکان و میاندآب. *پژوهش نامه زنان*، دوره ۸، شماره ۲۱، ۴۷-۶۷.
۱۱. علی مددی، زهرا؛ والا، رضا؛ ناظم، فتاح (۱۴۰۱). بازنمایی جنسیتی در کتاب زبان انگلیسی دوره دوم متوسطه دبیرستان از منظر مؤلفه های نگاه نابرابر و تبعیض آمیز به زنان. *علوم روان شناختی*، دوره ۲۱، شماره ۱۱۱، ۵۵۹-۵۷۴.
۱۲. Alzahrani, S.M.H., Hammersley-Fletcher, L., Bright, G. (2016). Identifying Characteristics of a "Good School" in the British and Saudi Arabian Education Systems. *Journal of Education and Practice*, 27, 136-148.
۱۳. Arif, D., Khalid, M. (2022). Retermining the Extent of Gender Discrimination in Educational Attainment: A Case of Pakistan. *Pakistan Social Sciences Review*, 6(2): ۱۰۴۱-۱۰۵۶.
۱۴. Butler-Barnes, S.T., Leath, S., Inniss-Thompson, M.N., Allen, P.C., D'Almeida, M.E.D.A., Boyd, D.T. (2022). Racial and gender discrimination by teachers: Risks for Black girls' depressive symptomatology and suicidal ideation. *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology*. Advance online publication. <https://doi.org/10.1037/cdp0000538>.
۱۵. Lentillon, V., Cogérino, G., Kaestner, M. (2006). Injustice in physical education: gender and the perception of deprivation in grades and teacher support. *Social Psychology of Education*, 9: 321-339.
۱۶. Matope, N. (2012). Gender Discrimination in Educational Personnel: A Case Study of Gweru Urban District Secondary Schools, Zimbabwe. *US-China Education Review*, 7: ۶۸۹-۶۹۶.
۱۷. Nakpodia, E.D., James, U. (2012). Gender discrimination in Nigerian school system. *International Journal of Development and Management Review*, 7(1), 74-79.
۱۸. Onyedikachi, C.G. (2021). Influence of Gender Discrimination on Students' Academic Achievement in Senior Secondary Schools in Port Harcourt. *International Journal of Innovative Psychology & Social Development*, 9(4): 39-53.
۱۹. Sammons, P. (2010). Equity and educational effectiveness. *International encyclopedia of education*, 5: 51-57.
۲۰. Sarkar, S. (2022). A Review on Gender Discrimination in Indian Education System. *International Journal of Recent Research in Social Sciences and Humanities (IJRSSH)*, 9(1): 1-4.

۲۱. SteelFisher, G.K., Findling, M.G., Bleich, S.N., Casey, L.S., Blendon, R.J., Benson, J.M., Sayde, J.M., Miller, C. (2019). Gender discrimination in the United States: Experiences of women. *Health services research*, 54, 1442-1453.
۲۲. Tuwor, T., Sossou, M.A. (2008). Gender discrimination and education in West Africa: strategies for maintaining girls in school. *International Journal of Inclusive Education*, ۱۲(۴), ۳۶۳-۳۷۹.